



درس خارج فقه استاد رضا برنجکار

۹۹/۰۳/۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

« فهرست دروس

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

دروس سطوح عالی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین (ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنما

تقریر نویسی

مشکلات

ثبت نام

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

نرم افزارها

پخش زنده-کامپیوتر

پخش زنده-اندروید

آرشیو مدرسه فقهات

موضوع: کرونا، شرور، و عنایت ۲

جلسه شانزده

نسبی بودن شر

ابن سینا پس از آن که شر بالذات را عدم کمال نوع و طبیعت یک شیء دانست و شر بالعرض را نابود کننده یا منع کننده این کمال دانست، **قسم سومی** از شر را مطرح می کند که شر بالقیاس است. او می گوید:

و لا نجد شیئا مما يقال له شر من الأفعال إلاّ و هو کمال بالقیاس إلى سببه الفاعل له، و عسی أنما هو شر بالقیاس إلى السبب القابل له.

افعالی که به آنها شر می گویند، بالقیاس به سبب فاعل این افعال، کمال و خیر است و ممکن است بالقیاس به قابل، شر باشد.

ابن سینا در ادامه بحث، قوه غضبیه را به عنوان مثال مطرح می کند. با قوه غضبیه بر فرد دیگری غلبه حاصل می شود و این غلبه کمال این قوه است اما برای مغلوب و مظلوم شر است.

بر اساس این پاسخ، در جهان چیزی نیست که از هر جهت شر باشد بلکه اموری که شر نامیده می شوند، نسبت به چیزهایی شرند و نسبت به چیزهای دیگر خیر هستند.

ابن سینا این پاسخ را به عنوان مکمل پاسخ اول ذکر کرده است، هرچند می‌توان با قطع نظر از عدمی بودن شر و حتی کنار گذاشتن نظریه صدور و فاعلیت بالعنایه و اعتقاد به نظریه خلقت و فاعلیت بالاراده نیز از این پاسخ به عنوان حکمت شرور استفاده کرد.

بر این پاسخ هم این اشکال وارد است که چرا خداوند جهانی آفریده که شرور نسبی در آن باشد؟ برخی معتقدند راه حل سوم در صدد پاسخ به این اشکال است.

اشکال دیگر این است که فرض کنیم اشکال اول و دیگر اشکالات بر پاسخ دوم وارد نباشد، اما در این پاسخ پذیرفته شده که شر، هرچند نسبی از خدا صادر شده است، در حالی که طبق نظریه صدور و فاعل بالعنایه شر نسبی هم نمی‌تواند از خدا صادر شود، زیرا خدا خیر محض است.

اگر مقصود ابن سینا از این پاسخ، فقط توضیح شرور اخلاقی و افعال زشت انسانها باشد که از برخی عبارات و مثالهای او چنین برداشتی می‌شود، در این صورت این پاسخ ارتباطی با شرور مورد بحث که شرور صادر شده از خداست، ندارد و خارج از بحث ماست.

شرور لازمه تحقق خیرات (راه حل تقسیم پنج گانه موجودات)

این پاسخ به ارسطو نسبت داده شده است. البته با توجه به اینکه ارسطو وجود جهان را به خدا نسبت نمی‌دهد، اساساً برای او اشکال شرور به مثابه اشکالی به رابطه خدا و جهان و یا اشکالی بر اصل وجود خدا و صفات او مطرح نمی‌شود و این پاسخ در کتاب‌های او نیز وجود ندارد.

در این پاسخ، پنج فرض برای موجودات جهان مطرح می‌شود:

۱. موجوداتی که خیر محض هستند و شری در آنها یافت

نمی شود

۲. موجوداتی که خیرشان بیش از شرشان است.

۳. موجوداتی که شرشان بیش از خیرشان است.

۴. موجوداتی که خیر و شرشان مساوی است.

۵. موجوداتی که شر محضند و خیری در آنها یافت نمی

شود.

سه **قسم** اخیر از خدا صادر نشده و از این رو، اشکالی مطرح نمی شود. **قسم اول** از خدا صادر شده که چون شری در کنارش نیست، باز اشکالی ندارد. **اما قسم دوم** از خدا صادر می شود ولی بر این قسم اشکال شر مطرح می شود و پاسخ این است که صادر نشدن خیر کثیر به خاطر اجتناب از شر قلیل، خود، شر کثیر است. ابن سینا در الاهیات شفا می گوید:

إن الأمور فی الوهم إما أمور إذا توهمت موجودة يمتنع أن تكون إلاّ شرّاً على الإطلاق، و إما أمور وجودها أن يكون خيراً و يمتنع أن تكون شروراً و ناقصة، و إما أمور تغلب فيها الخيرية إذا وجدت وجودها و لا يمكن غير ذلك لطباعها، و إما أمور تغلب فيها الشرية، و إما أمور متساوية الحالين. فأما ما لا شرية فيه، فقد وجد في الطباع، و أما ما كله شر أو الغالب أو المساوی أيضاً، فلم يوجد. و أما الذي الغالب في وجوده الخير فالأحرى به أن يوجد، إذا كان الأغلب فيه أنه خير.

مراد از قسم اول، عالم عقول و مجردات است که فعلیت و کمال محض است و هیچ قوه ای در آنها نیست و هر کمال ممکن برای نوع آنها برایشان تحقق دارد و از این رو هیچ شریتی که به فقدان بر گردد در آنها راه ندارد.

مراد از قسم دوم عالم طبیعت موجود است که به دلیل داشتن ماده و قوه، بر اساس توضیحاتی که در پاسخ اول و دوم داده

شد، همراه با شر و فقدان است.

برخی فیلسوفان دین از این پاسخ برای جواب دادن به اشکالات کلامی و الاهیاتی مثل شر به مثابه چالشی در برابر اصل وجود خدا یا صفات او استفاده کرده اند، بدون آنکه این پاسخ را مبتنی بر نظریه صدور و عنایت بدانند. فعلا این رویکرد مد نظر نیست، بلکه رویکرد فیلسوفان اسلامی مورد نظر است که این پاسخ را برای رد اشکال شرور بر نظریه صدور و عنایت، استفاده می کنند.

در این پاسخ، فرض های زیر وجود دارد:

۱. شر در عالم طبیعت از خیر جدا نیست و تنها راه از بین بردن شر در جهان طبیعت، نیافریدن آن است. ابن سینا می گوید: **فإن قيل: فلم لم تمنع الشریة عنه أصلاً، حتى كان يكون كله خيراً، فيقال حينئذ لم يكن هي إذ قلنا إن وجودها الوجود الذي يستحيل أن يكون، بحيث لا يعرض عنها شر فإذا صيرت بحيث لا يعرض عنها شر فلا يكون وجودها الوجود الذي لها بل يكون وجود أشياء أخرى وجدت و هي غيرها و هي حاصلة. أعني ما خلق بحيث لا يلزمه شر لزوماً أولياً.**

۲. خیرات این عالم بیش از شرور این عالم است.

۳. این پاسخ، می تواند اشکال شر بر نظریه صدور و عنایت را بر طرف کند.

در مورد فرض اول باید گفت هر چند برخی شرور مانند فقدان و محدودیت از ماده جدا شدنی نیست، اما مهم ترین شر، که به نظر متکلمان تنها شر جهان است و همه شرور به آن برمی گردد، یعنی الم و درد و رنج، هیچ ملازمه ضروری با ماده ندارد. خداوند این عدم ملازمه را در بهشت به نمایش گذاشته است و با این که در بهشت لذتها و نعمتهای مادی وجود دارد و انسان

مانند این جهان، دارای روح و جسم است، اما هیچ دردی احساس نمی کند.

در مورد فرض دوم باید گفت این فرض قابل اثبات نیست؛ هرچند ابن سینا با توضیحاتی ادعا گونه سعی می کند به آن پاسخ دهد.

در مورد فرض سوم باید گفت، در پاسخ سوم شر به عنوان امری وجودی پذیرفته شده است که نیافریدن آن خود شر بزرگتری است. در حالی که بر اساس مبانی نظریه صدور و عنایت هیچ نوع شری نمی تواند از ذات الهی که خیر محض است صادر شود و تنها عالمی که می تواند از خیر محض صادر شود، موجودات قسم اول، یعنی عالم مجردات است.

